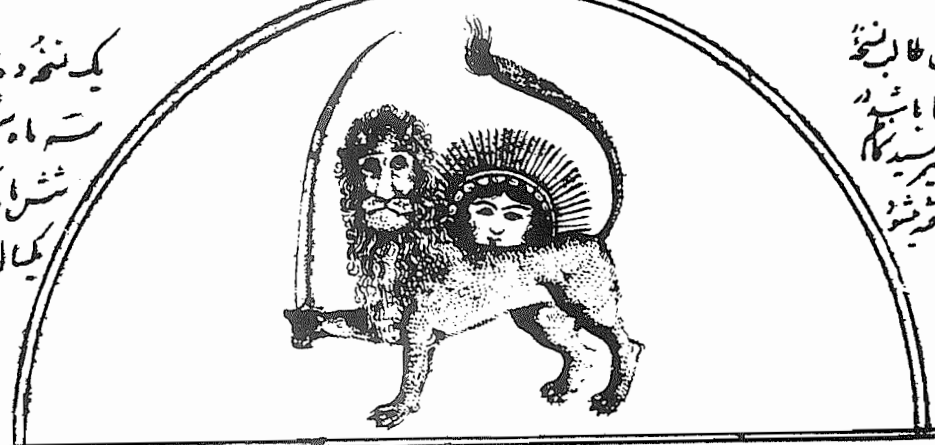
# روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ جمعه بیست و چهارم شهر جمادی الأول مطابق سال تنکوزیل سنه ۱۲۶۷

نمره هشتم

هر کس در طهران طالب نسخه
ازین روزنامها باشد در
بازار در دکان میرسید کلام
بلوز فروش خروجه میشود



قیمت
یک نسخه ده شاهی
سه ماهش نهار دینار
شش ماه یک تومان و دو هزار
یکسال دو تومان و چهار هزار

## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دار الخلافه طهران

در روز دوشنبه بیست و سوم ماه جمادی الأول که اول این سال خیریت مآل است اعلیحضرت پادشاهی زینت بخش تخت سلطنت و تاج فرمانروائی گردید بقانون قدیم که درین دولت علیه متداول است سلام عید فرمودند و کل امناء و اعیان دولت و مقربان حضرت نجلت های فاخره مفاخرت حشته هر کس بجای خود در حضور مبارک ایستادند نظم و ترتیب اهل سلام و آراستگی صاحب منصبان نظام وغیره بطوری بود که چاکران قدیم این دولت علیه میگویند که در این سالهای سال باین حشمت و جلال سلامی نشده بود و امنای دولت علیه درین فصل نوروز خورسندی و مفاخرت دارند و فی الحقیقه جای شکرانه و شادمانی است که کل ممالک محروسه قرار و انتظام تمام دارد و روزگار دولت برومند باقبال پهلوان حسروانی و اهتمام امنای دولت علیه مانند این ایام بهار و فصل ربیع روز بخرمی و ترقی است

در روزنامه اخبار دولت بهیه روس که در تفلیس انطباع میشود در خصوص راه انداختن روزنامه دار الخلافه طهران شرحی نوشته اند و از قرار نوشته آنها معلوم میشود که روزنامه دار الخلافه را در آنجا بسیار پسندیده بودند خصوص اشخاصی که خیرخواه اهل این ممالک و مراقب و مواظب تربیت خلق و طالب تعلیم و تعلم زبان پارسی عربی اند چونکه منظور امنای دولت علیه در راه انداختن این روزنامها خیر منفعت خاص و عام خواه از رعایای ممالک محروسه ایران یا اهالی دول دیگر بود مباشرین این روزنامها بسیار شادمانی دارند از اینکه روزنامه دار الخلافه مبارکه را در دولتهای دیگر نیز پسندیده اند و تحسین نموده اند

حسب الامر اعلیحضرت پادشاهی از روز دوشنبه ۲۰ عموم چاکران مرخص دیده و باز دیدا یام نوروز کردیدند تا روز شنبه که در روز مزبور هر یک مشغول خدمات محوله بخود باشند

نظر بحسن صداقت و راستی و اهتمام عالیجاه چراغعلی خان قوللر اقاسی در خدمات دیوانی منصب نیابت حکومت اصفهان از اعلیحضرت پادشاهی با مفوض فرمان همایون صادر گردید وارسان میشود

از رعایای نظرجمعی بدار الخلافه متظلم آمده از حاکم و مباشر خود شکایت کردند که نسبت بما تعدی و زیادتی کرده اند و بعضی اموال و اسباب

بیحسابی کرفته اند در دیوانخانه عدالت تحقیق و غوررسی نمودند
آنچه از روی حقیقت معلوم شد بآنها زیادتی شده بود در دارالخلافه
بحکم اولیای دولت علیه از آنها استرداد و بصاحبان مال رد شد

از رعایای مغاره جمعی آمده در دارالخلافه از مباشر خود شکایت
کردند مباشر آنها را در دارالخلافه حاضر ساخته بدیوانخانه عدالت
کردند بعد از تحقیق معلوم شد که مباشر آنها شصت تومان نقد و مقدار
اسباب از آنها بتعدی کرفته است بعینها بحکم دیوانخانه عدالت
مغاره کرفته شده و بصاحبانشان داده شد

## سایر ممالک محروسه

از قراریکه از کیلان این اوقات نوشته اند در لنکران و بقدر
هفتاد خانه آتش کرفته و خانهای منجم باشی هم جزو آنها بود
و بیست و چهار نفر هم سوخته اند که شش نفر از آنها فوت شده
و مابقی هنوز صدمه دارند

قطران بجهة مصارف توپخانه اول از مملکت روس از راه انزلی وارد
و کمی هم درین دولت علیه ساخته میشد درین اوقات که چند سنه
از مملکت روس قدغن شد نیاورند در رحمت آباد کیلان خوب و زیاده
از قدر کفایت ساخته و میسازند

از انتظام امر خراسان درین روزها نوشته اند که روزی کم میشود
و فوج خلج را که پاسبان شهر مشهد کذاشته اند کمال محارست را
مینماید از جمله در ۲۹ ربیع الثانی هاشم نام سربان نوبت
حسام السلطنه در پائین خیابان منزل داشته پیش از اذان صبح
از منزل خود بحمام میرفته است سربازان قراول او را نکاه میدارند
که پیش از صبح چرا از خانه بیرون آمده بعدیکی از سربازهای او را
شناخته مرخص کرده بحمام رفته است وقت طلوع آفتاب
از حمام مراجعت کرده بخانه خود آمده دیده بود آنچه در منزل
داشته برده اند کرچه سربازها را کرفته و آنها هم مهلت
خواسته اند که تا شام اسباب او را پیدا نمایند آدمی از
هاشم نام با سربازهای خانه جوئی همسایه را میکذارد
بالآخره تا بعد از ظهر مال هاشم نام بعینها با مبالغ کلی مال
مردم دیکر که پیشتر دزدیده شده بوده پیدا میشود از خانه دو نفر
پیره زن پیره که در همسایکی هاشم نام منزل داشته اند آن دو نفر
زن را بجهة اینکه دزد را نمیدهند در حبس دارند ولی دزد تا
حال معلوم نشده

زوجه جناب امام جمعه مشهد که دختر طهماسب خان تیموری بود
وفات یافته از قراریکه نوشته بودند هشت روز دهانش
بسته شده بود که نمیتوانسته است غذا بخورد و نه قادر بحرف
زدن بوده است روز نهم فوت شده و مشهور بوده است
که به بد زبانی موصوف بوده و مردم را السنا اذیت و آزار
میرسانده است

در میان افواج ساخلوی خراسان در هر فوجی دو زده
هرزه که سراغ داشته اند میرتپان و سرهنکان به نواب
حسام السلطنه عرض نموده و حبس کرده اند و حالا جمیع افواج
کمال نظم را دارند

عالیجاه عباسقلی خان سرتیپ فوج هم خوی با فوج در
چهارم شهر جمادی الاول از مشهد مقدس مرخص و روانه
دارالخلافه شده اند

برحسب امر اولیای دولت علیه بنابست یک فوج سرباز
جدید از نشابور کرفته شود و محمود خان کرکی سرهنک فوج مزبور
مامور بود از قراریکه نوشته اند کثری از آن فوج را کرفته و دکارند

که این روزها باید تمام کرده باشند

از نظم و آرامی و آسایش اصفهان این روزها اخبار متواتره
میرسد که از روزیکه عالیجاه چراغعلی خان وزیر آقاسی در آنجاست
بسیار امورات آنجا را منتظم ساخته اموالی که در سنوات سابقه دزدیده
شده پیدا میشود و دزدها را اکرفته تنبیه و سیاست میکند از وقایع
اتفاقیه چندی پیش از این آقا علیرضا نامی شب بهمانی رفته بود در نزد
در خانه بوده از شب شش ساعت گذشته خوابیده صبح بغش او را بیرون
آورده اند بعد از تفحص معلوم میشود که آقا علیرضا کنیز سیاهی داشته و
آن کنیز کنیز دیگر را که در خانه آقا علیرضا مهمان بوده با خود متفق
نموده و زن مزبوره را خفه کرده اند عالیجاه چراغعلی خان کنیز را فرستاده
بعد از آنکه علما و مجتهدین حکم قتل او را نوشته اند بحکم شرع بقصاص رسانده

از تبریز نوشته اند که در روز جمعه دهم شهر جمادی الاول دو ساعت از
ظهر گذشته زلزله شده بود چندان خرابی نکرده اما بسیار سخت بود
و در یازدهم هوا بسیار سخت و سرد کردیده برف و بوران شدید
شده بود بطوریکه هیچکس یاد نداشته که در این سنوات هوای آنجا باین
سرد شده باشد بعد از چند روز هوا خوب شد و در تاریخ ۱۲ نامه
نوشته بودند که بیشتر از نیم زرع برف در زمین بود چاپار دولتی
که در راه بوده نزدیک بشهر در میان کولاک و بوران مانده بیش بیچاره خانه
تبریز آمده و خودش در بیرون مانده بود کاغذها و آنچه داشت گم شده
بود و تا تاریخ کاغذ نرسیده بود

در روزنامه کرمانشاهان از قرار یکه نوشته بودند دو نفر بختیاری از
سهراب خان نام کرمانشاهی اذعای طلبی کرده شب بکیرا به اسم
فراشش با خود رفیق کرده بمنزل سهراب خان برده یک روسری و
دو قبضه تفنک از او حکماً و عنفاً کرفته اند شرا به صبح امروز مرافعه را

بعالیجاه اسکندر خان حاکم کرمانشاهان میرساند و حاکم قرار
ان سه نفر را پیدا کرده تنبیه مضبوط نموده و مهار کرده و داده
در میان شهر کردانده بودند

در دولت آباد ملایرزن شخصی هرسینی دو نفر مصاحب داشته
این روزها پدر آن شخص برای مهمی او را بخرم آباد فرستاده بود
در بیرون شهر آن دو نفر آمده کریبان او را میکیرند که
زنت را طلاق بن میکوید اینجا عالمی و ملائی نیست بشهر کردیم
طلاق میکویم میکویند بیا در باغ قسم بخور که ما خاطر جمع بشویم
باین بهانه او را به باغی برده و کشته و بعد رفته بزن و مادر
زنش خبر کرده بودند و زنها را آورده بغش او را نموده بودند
و زنش به پدر شوهرش کفته بود که شوهرم چند روز است پیدا نیست
بالجمله رقه بغش او را از باغ آورده بنزد عالیجاه میرهاشم خان
حاکم انجا کذاشته بودند مشارالیه فرستاده آن زن را
تحقیق و تهدید کرده که قاتل را بنماید و زن از ترس قاتلها را بردن
بعد از ان حاکم کفته است سر آن زن را تراشیده با انواع افتضاح
در کوچه و بازار و محلات کردانیدند و آن دو نفر قاتل را کرفته
ماجری را بعرض اعلیحضرت دولت علیه رسانده حکم شد که قاتلین را
بدربار معدلت مدار بیاورند که در دارالخلافه نسبت بای خود
برسند

در میان خاک رود خانهای همدان نوشته اند که از قدیم خاک طلا یافت
میشده که چهارصد یا پانصد نفر سالها امر معاش خود را از این طلا میکذرانیدند
و وقت شده است که در تابستانها بقدر نیم مثقال هم پیدا کرده اند یکی از
خوب و تمام عیار که مثقالی یک تومان و سه هزار میخرند و باین طور است
که در تابستانها از خاک رود خانها در می آورند و میشویند و ذرات
طلا از او میکیرند اما معدن او را ندانسته و دیده نشده که در کجاست

## اخبار دول خارجه

**انگلیس** بتاریخ سه شنبه دویم شهر ربیع الثانی خوانین و وکلای رعایا در مشورتخانه پای تخت لندن بجهة گذراندن امور دولتی جمع شده بودند و چونکه نشیمن اهل مشورتخانه اطاق بزرگیست که تخت پادشاه انگلیس در آنجاست بعد از آنکه اهل مشورتخانه بر روز جمع شدند خود پادشاه هم آمده بر روی تخت قرار گرفت و در امور دولتی فرمایش خود را باهل مشورتخانه القا نمود و چونکه کاغذ آخر که از لندن رسید بتاریخ مزبور بود همین قدر نوشته بودند معلوم نیست که بعد از گفتگو و مشورت در باب امور معظم چه قرار گذاشته اند

چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده دولت انگلیس عمارت بزرگی در بیرون شهر لندن بجهة گذاشتن صنایع و نفایس هر ولایت روی زمین ساخته اند که انواع صنایع عالم در آنجا گذاشته شود و بعد از تشخیص و ترجیح صنایع هر ولایتی بولایتی دیگر به صنعتکاران هریک فراخور کارشان از دولت انعام داده شود و ترغیب کردند که در کارهای خود ترقی حاصل نمایند و حساب کرده اند که مردمی که در بین بهار بتماشای این صنایع در عمارت مزبور و اطراف آن جمع میشوند بیشتر از هشت کرور خواهند بود و بجهة اینکه در بین کثرت و ازدحام خلق بر همخوردگی نشود دکشیکچیان و کرزهای شهر را زیاد کرده اند اگرچه نهصد نفر بیشتر بکرزها نیفزوده اند ولی گمان دارند که کفایت محافظت شهر و عمارت مزبور بهمین قدر کرزمه و مشخط که از قدیم و جدید معین کرده اند بشود

**فرانسه** در مشورتخانه فرانسه در باب مخارج لوی ناپلیان رئیس دولت مزبور گفتگوئی که پارسال نیز در میان بود هنوز دارند و وزرا مصلحت دانسته اند که شخواه اخراجات او را بقدری که خواسته است برقرار دارند زیرا که اگرچه لوی ناپلیان رئیس جمهور دولت است ولی با اوضاع پادشاهی است بعد از تخت اخر آنقدر که معین شده وزرا مصلحت دانسته بودند اهل مشورتخانه قبول نکرده بودند **نمسه** وکلای پادشاهان در شهر درزدن جمع شده بودند و قراریکه در امورات نمسه خواهند گذاشت هنوز معلوم نبود ولی اجتماع آنها هم در انجا بی ثمر نبود چونکه مردم میدانند که قراری درین امورات خواهند گذاشت همه در امنیت بودند و لابتهاکم کم ارام می شدند اما دولت اسپانیه قشون مامور بولایت ایطالیا را زیاد کرده بود و میگفتند چهل هزار قشون بانجا روانه خواهند کرد و سبب زیاد کردن این قشون اینست که مفسدین فرنگستان در مملکتین سویس و پیدمانت جمع شده بودند و دور نبود که باز در آنجا بنای اغتشاش بگذارند

## احوالات متفرقه

بتاریخ دوشنبه ۲۵ ربیع الثانی در اسلامبول نزدیک بصبح آتش بعمارت عادله السلطنه خواهر سلطان افتاده اگرچه نظام آتش خاموشی زود بانجا جمع شدند اما نتوانستند آتش را خاموش نمایند در اندک زمانی عمارت را با هرچه اثاث البیت که در او بود همه سوزانده بود بنجیب پاشا که مدتی پاشای بغداد بود در شب ۲۵ ربیع الثانی در اسلامبول در خانه خودش وفات یافته هشتاد و شش سال عمر کرده بود

در مملکت سویس از قراریکه نوشته بودند مفسدین فرنگستان در انجا جمع شده و جزئی اغتشاش کرده بودند چونکه در آنولایت قانون آزادیت نظر بقانون خودشان نمیتوانند آنها را اخراج نمایند حال مفسدین در خود آنولایت اغتشاش کرده اند و جنگ جزئی برنشده و اهل آنولایت مردمانی با نظم اند خودشان با مفسدین جنگ کرده شورش آنها را فرو نشانده اند